



هنوز هم کانون از بهترین‌هاست

گفتگو با حمید شاه‌آبادی

معاون مدیر انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان



هر ناشر است. اما با توجه به اینکه کانون یک ناشر دولتی و شاید معتبرترین ناشر دولتی کتاب کودک و به تعبیری متولی اصلی ادبیات کودک و نوجوان ایران در بخش دولتی است از آن توقع می‌رود در چاپ کتاب دقت بیشتری کند و بیشتر به کیفیت توجه کند تا کمیت. گویا بازدهی اقتصادی در کار نشر مورد توجه قرار گرفته است و کمیت‌گرایی سیاست اصلی کانون شده و کانون به رقیبی برای ناشران خصوصی بدل شده است.

○ من با فرمایش شما موافق نیستم. نگرش به انتفاع اقتصادی شاید ضعیف‌ترین نگرش حاکم در کانون در کلیه بخش‌هاست. اگر به قیمت‌های کتابهای ما توجه و آن را با سایر ناشران مقایسه کنید متوجه ارزانی آن می‌شوید. سایر ناشران کل هزینه را خریدار دو و نیم می‌کنند و تقسیم بر تیراژ می‌کنند، اما کانون هزینه‌ها را در دو ضرب می‌کند. یعنی یک پنجم ارزانتر از بقیه. علاوه بر آن در کرد کردن هم آن را به سمت ارزانتر گرد می‌کنیم. این جدا از تحقیق‌هایی است که گاهی اوقات مدیریت کانون برای برخی کتابها در نظر می‌گیرد. مثلاً در مورد کتابهای مذهبی که گاهی اوقات مبلغ پشت جلد کتاب کمتر از قیمت تمام شده است. کمیت‌گرایی هم اگر منظور تلاش برای افزایش عناوین باشد درست است.

فکر می‌کنم این وظیفه هر نهاد فرهنگی است. این سیاست در تمام بخشهای کانون وجود دارد. مثلاً در گسترش کتابخانه‌های کانون، اما این به آن معنا نیست که کیفیت فدای کمیت شود.

سخت‌گیریهایی که در مورد کتاب می‌شود بدون تعارف و اغراق اصلاً کم نیست. در دو مرحله مقدماتی و نهایی کتابها توسط دو شورای مجزا بررسی می‌شود و گاهی اوقات ما شاهد اعتراض نویسندگانی هستیم که کارشان رد شده است. به عنوان نمونه در سال ۷۵ از بین ۳۵۰ کتابی که به دست ما رسیده بود تنها یک عنوان کتاب به تصویب رسید. البته این جدای از آثاری است که در دفتر ادبیات مذهبی و ادبیات انقلاب تصویب شده بود.

● وقتی که کانون فعالیت خود را آغاز کرد بهترین کتابهای کودک را در کل کشور ارائه می‌داد. منظورم از نظر ادبی و هنری است نه از نظر محتوایی و ارزشی. الان این طور نیست. کانون این شاخص بودن و تمایز را از دست داده. بسیاری از کتابهای کانون با آثار سایر ناشران تفاوتی ندارد. ○ افت نسبی آثار را من هم قبول دارم، اما آن را تنها معلول سیاستهای کانون نمی‌دانم. این افت در کل

کانون از قدیمی‌ترین و بزرگترین ناشران کتاب کودک و نوجوان ایران است که با سی سال سابقه نشر هنوز شناخته شده‌ترین ناشر در میان مردم است. کتابهای کانون در جشنواره‌های داخلی و خارجی جوایز متعدد کسب کرده و کانون بارها ناشر برگزیده جشنواره‌ها بوده است.

برای گفتگو درباره فعالیتهای انتشارات کانون به سراغ مسئولان آن رفتیم. مدیریت انتشارات کانون زیر نظر معاونت تولید قرار دارد. حمید گسروگان مدیر انتشارات کانون به دلیل کسالت نتوانست در زمان مصاحبه حاضر شود و سئوالات ما را معاون او حمیدرضا شاه‌آبادی پاسخ گفت.

شاه‌آبادی خود تاکنون ۳ کتاب داستان منتشر کرده و چند کتاب نیز زیر چاپ دارد. او همچنین با نشریات سوره نوجوانان، ادبیات داستانی و کمان همکاری داشته است. وی تأکید داشت که در سیاست‌گذاریهای کانون تصمیم‌گیرنده نیست بلکه تنها مجری سیاست‌هاست.

با معاون مدیر امور انتشارات کانون درباره کمیت‌گرایی در نشر، خلاء مباحث نظری، تأخیر در روند نشر و مسئله آب‌گرفتگی تصاویر کتاب کودک صحبت کردیم.

● کانون در سال ۱۳۴۵ تأسیس شد. آیا چاپ کتاب کودک از همان سال برنامه کانون بوده است؟

○ بله، کانون تا آنجا که من اطلاع دارم کار خود را با انتشار کتاب آغاز کرد. اولین کتاب کانون مهمانهای ناخوانده نوشته فریده فرجام و دومین آن ماهی سیاه کوچولو نوشته صمد بهرنگی بود. این دو کتاب در سال ۴۵ چاپ شد.

● به طور تقریبی حجم کار انتشارات کانون در سالهای قبل از انقلاب چقدر بوده؟ من گمان می‌کنم بسیار کمتر از بعد از انقلاب بوده و گزینش سخت‌تری برای چاپ داشته است. ○ در سال ۴۶ هفت کتاب، سال ۴۷ ده کتاب سال ۴۸ چهار عنوان چاپ اول و چهار عنوان چاپ مجدد داشته است. این روند ادامه داشته تا اینکه در سال ۵۷ چهل و شش عنوان تجدید چاپ و هفت عنوان چاپ اول منتشر شده است.

● بعد از انقلاب چطور؟ مثلاً همین سال ۷۶ که گذشت؟ ○ در سال ۷۶ صد و هشت عنوان تجدید چاپ و پنجاه و شش عنوان چاپ اول داشته‌ایم که این بالاترین رقم در طی سی سال فعالیت کانون است.

● قطعاً چاپ عناوین متعدد و مکرر حسن بزرگی برای

◀ افزایش عناوین کتابها
به معنای فداکردن کیفیت به پای
کمیت نیست

◀ افت نسبی کتابهای کانون
را قبول دارم

◀ کتابهای کانون
حداقل ۲۰ درصد ارزانتر
از سایر کتابهاست

عرصه ادبیات کودک و نوجوان دیده می‌شود که علت‌های پیدایی این اقت از موضوع بحث خارج است.

● **اقت کلی کیفیت آثار ادبیات کودک را قبول دارم، اما آیا باید کانون اصلاح‌کننده این وضعیت و ارتقا دهنده ادبیات کودک و جریان‌ساز و پیشرو باشد یا مستعمل و تابع اقت عمومی؟**

○ **کانون به نوبه خود و در توان خود در این زمینه کوشیده است و به نظر من کم کردن تعداد چاپ کتاب تنها راه حل در این باره نیست.**

● **قبول دارید که کانون به عنوان قدیمی‌ترین و معتبرترین ناشر جایگاه درخور خود را از دست داده است و چندان بر برآورده ساختن این توقع که کارهایش الگو و سرمشق‌های مثال زدنی و بی‌رقیب باشد موفق نبوده است؟**
○ **هنوز هم بسیاری از آثار کانون برجسته و مثال زدنی است. هنوز هم بسیاری از کارهایش برتر و الگوست. هرچند که کارهای نسبتاً ضعیف هم وجود دارد. ببینید زمان فرق کرده است. آن زمان چند کتاب کودک چاپ می‌شده؟ چند ناشر داشته‌ایم؟ امروز صدها ناشر به میدان آمده، روزانه دهها عنوان کتاب مورد نیاز است. چندین ناشر قدرتمند دولتی دیگر هم پدید آمده‌اند. لذا طبیعی است که آن انحصار و تک‌تازی سابق برای کانون و برای هیچ ناشری مقدور نباشد.**

● **اما درباره دو دفتر ادبیات مذهبی و ادبیات انقلاب، فکر نمی‌کنید تعهد فزونی و اخلاقی کانون در این دو حوزه سبب شده کارهای ضعیفی عرضه شود و کیفیت آن در مقایسه با سایر آثار کانون پایین‌تر باشد؟ البته اصلاً منکر اهمیت آفرینش کتابهای مناسب در این حوزه‌ها نیستیم.**

○ **خواهش می‌کنم این را به صورت یک حکم کلی ندانید. قبول داریم که بخشی از کارهایی که در این دفاتر منتشر می‌شود ضعیف‌تر از کتابهای دیگر ماست. این شاید برمی‌گردد به فضای کلی ادبیات کودک و نوجوان ما. البته نمی‌شود همه چیز را به گردن فضای کلی ادبیات کودک انداخت. شاید چون بخش ویژه‌ای تشکیل شده و توجه خاصی وجود دارد اعضایی هم وجود داشته است. تشکیل این دفاتر بنا بر یک ضرورت بوده و کارشان فعلاً یک کار تجربی است و بناست از این کمیت به کیفیت لازم برسیم. البته چنین ضعفهایی در کار تمام ناشران به چشم می‌آید. امروز ادبیات مذهبی محدود شده به بازنویسی تاریخ، آن هم بازنویسی‌های مکرر و متعدد که گاهی عاری از خلاقیت هنری است. ما از نویسندگان دعوت می‌کنیم کارهای قوی‌تر به ما ارایه دهند.**

واقماً اگر آثار قوی در دسترس باشد هیچ‌کس کار ضعیف چاپ نخواهد کرد.

● **علاوه بر آفرینش آثار برجسته و تک، توقع دیگری که از کانون می‌رود پر کردن خلاء شدید در زمینه نقد و پژوهش و مسائل نظری است. گمان نمی‌کنم کسی منکر باشد که رشد و بالندگی ادبیات کودک منوط به پاک‌گیری جریانی مستمر و قدر در عرصه نقد و پژوهش است. گمان نکنم کسی منکر باشد که فعالیت در این زمینه به دلیل عدم بازدهی اقتصادی و هزینه‌های سنگین از افراد شخصی و**

ناشران و مؤسسات خصوصی و کوچک ساخته نیست و چا داشته که کانون بیش از این به آن اهتمام ورزد. اصلاً عملاً خبری از چنین فعالیتهایی در کانون نیست. معاونت پژوهشی آن عملاً راکد است و فعالیتهایش در حد بررسی استقبال از کتابهای کانون خلاصه می‌شود. این نظرسنجی‌ها از وظایف روابط عمومی‌های هر سازمان است و نه در شأن معاونت پژوهشی یک سازمان بزرگ فرهنگی در عرصه ملی. از چاپ کتابهای نظری در کانون خبری نیست. پوشش تعطیل شده، پویه هم همین‌طور. گلبانگ هم از ماهنامه به فصلنامه تبدیل شده است.

○ **البته کانون بخشهای مختلفی دارد که هر یک از دیگری مجزاست. بخش پژوهش کانون از انتشارات مجزاست و بنده جوایگوی فعالیتهای آن نخواهم بود، اما به نظرم این بی‌انصافی است که کار آن را در حد روابط عمومی و تبلیغات بدانیم. معاونت پژوهشی، کتابهای کانون را مورد بررسی قرار می‌دهد و باز خورد آن را در میان مخاطبان ثبت می‌کند و نتایج این تحقیقات در انتشار کتابهای بهتر استفاده می‌شود.**

● **آیا باید معاونت پژوهش کانون تأمین‌کننده نیازهای تحقیقاتی تمام کشور باشد یا فقط کانون؟**

○ **من گمان می‌کنم در این زمینه هم فعالیتهایی شده باشد، اما در حوزه انتشارات هم کار فراوان بوده است و این حرفها را کم لطفی می‌دانم. اگر دقت نظر داشته باشید می‌بینید که ما در حد خودمان کارهای خوبی انجام داده‌ایم. ما نشریه گلبانگ را داریم و در این نشریه به طور ثابت مباحث نظری ادبیات و هنر کودکان وجود دارد. همین‌طور نقد کتاب. نشریه پوشش هم تنها مراحل آماده‌سازی‌اش متوقف شده و این به معنای تعطیلی آن نیست. اخیراً دو شماره آن منتشر شده و شماره بعدی آن هم در چاپخانه است و پس از آن مراحل آماده‌سازی شماره‌های بعدی شروع خواهد شد. گاهی اوقات سردبیر یک نشریه به خاطر گرفتاری یا خستگی کناره‌گیری می‌کند اما این به معنای تعطیلی نشریه نیست. کاری که در پوشش شده با توجه به اینکه خودتان به موضوع اشراف دارید می‌دانید که کارهایی ماندنی و قوی است و حرفهایی جسورانه و تازه دارد. نه این اضافه کنید برگزاری سالیانه جشنواره‌های کتاب و مطبوعات، برپایی جلسات سخنرانی و میزگرد و چاپ کتاب و فهرست کتابهای مناسب که به طور منظم منتشر می‌شود. علاوه بر آن در حوزه معاونت فرهنگی کمیته کتاب وجود دارد که کار نقد کتاب را انجام می‌دهد. کتابی که در کتابخانه‌های کانون قرار می‌گیرد یا در کتابفروشیها به فروش می‌رسد، در پشت خود یک نقد جدی داشته است.**

● **آیا بهتر نیست مدیریت یا دفتر خاصی در کانون به طور جدی به نقد ادبیات کودک بپردازد؟ کتابهای تئوری سفارش دهد، ترجمه کند و چاپ کند. طرحهای پژوهشی بپذیرد. از پایان‌نامه‌ها و تحقیقات مربوط حمایت کند. شوراهای پژوهشی و تخصصی داشته باشد. سمینارهای علمی و بین‌المللی برگزار کند؟**
○ **اصل این کارها قطعاً خوب است اما قرار نیست**



در بخش نشریات کانون

کاستیهای وجود دارد

که امکان حضور موفق کانون

در عرصه مطبوعات را

سلب کرده است

توقف تهیه مطالب پوشش

به معنای تعطیلی آن نیست

که همه نیازهای ادبیات کودک را کانون برآورده کند. الان هم کار تئوری چاپ می‌شود برای مثال الان سه کتاب نظری زیر چاپ است. فهرستگان کودکان و نوجوانان از شفیه خدایار محبی، کتابشناسی توصیفی از مینو حدیدی و نقد نظری ادبیات کودک و نوجوان از مریم صباغ‌زاده. اما سوال من این است که مگر ما چقدر منتقد داریم که این همت را داشته باشند که در این زمینه‌ها کتاب بنویسند؟ منکر نیستم که منتقدان خوبی هم وجود دارد اما خود این منتقدین کم کاری می‌کنند. من حتم دارم اگر کسی کتابی در این‌باره تدوین بکند کانون استقبال خواهد کرد.

● مگر وقتی که کانون به وجود آمد به معنای واقعی نویسنده، مترجم و تصویرگر کتاب کودک داشتیم؟ کانون خودش نویسنده و تصویرگر پرورش داد چرا امروز کانون منتقد ادبیات کودک پرورش ندهد؟

○ اگر منظور حمایت از منتقدان و افراد مستعد است حرفی نیست. اما برگزاری کلاس آموزشی که دیگر کار کانون نیست.

● سوال دیگری که درباره انتشارات کانون مطرح است تأخیر فراوان در چاپ کتابهاست. ظاهراً چاپ هر کتاب در کانون حدود سه سال به طول می‌انجامد. حتی شنیده می‌شود که برخی کتابها شش سال است که در انتظار چاپ به سر می‌برند.

○ اگر سوال شما درباره کانون است من در مقام توضیح خواهم بود و البته نه در مقام دفاع.

اما اگر بحث فضای کلی ادبیات کودک باشد من در مقام کلایه و همدردی خواهم بود چرا که این مشکل، خاص کانون نیست. ببینید ما در انتشارات کانون فقط متن کتابها را آماده می‌کنیم و بقیه مراحل توسط دو بخش گرافیک و چاپ و نشر انجام می‌شود. کار توزیع نیز به بخش بازرگانی مربوط است. ما در اینجا متن را تهیه می‌کنیم در عین حال جوابگوی نویسندگان هستیم. اما وقتی این اعتراضات و دلخوریها را به بخشهای ذیربط منعکس می‌کنیم معمولاً جوابهایی می‌گیریم که این ناراحتی و دلخوری را کمی تسکین می‌دهد. به عنوان مثال کتابی که پنج شش سال است در نوبت چاپ مانده و البته تعداد چنین کتابهایی یک یا دو عنوان بیشتر نیست، معمولاً دچار مشکلاتی هستند که به شرایط خاص آن کتاب برمی‌گردد.

مثلاً تصویرگر بدقولی کرده و تأخیر داشته، بعد نویسنده تصاویر را نپذیرفته و برای اصلاح پس فرستاده اما تصویرگر هم حاضر به اصلاح نشده، بعد ما به عنوان حکم وارد شده‌ایم. یا کتابی به نوع خاصی از کاغذ نیاز دارد و یا عکسهای خاصی نیاز دارد. گاهی دستگاه مخصوصی که برای چاپ آن کتاب نیاز است خراب است. گاهی نیروی متخصص را از دست می‌دهیم. مثلاً در مورد پویش کارگر لیتوگراف چاپخانه یک بیماری همسری گرفته بود که نمی‌توانست مدتی سرکار حاضر شود، کسی هم نمی‌توانست جانشین او بشود. البته ما معتقد بودیم این کار باید بیرون از کانون انجام می‌شد ولی مسئولین چاپ و نشر کانون هم برای

خود دلایلی داشتند که ما مجبور به پذیرش آن بودیم. البته این مشکل همه جا هست اما شاید به دلیل دولتی بودن کانون، توقع بیشتر است و تحمل کمتر.

● حال اگر این شرایط خاص را بپذیریم، در مورد استثناها چه بگوییم؟ گاهی دیده شده که کتابی در عرض چند ماه منتشر شده است. بیشتر این کتابها هم مربوط به چند نفر از کارمندان کانون بوده است که ظاهراً حضور، رابطه و پیگیری آنها در تعجیل نشر دخیل بوده است.

○ کتابهایی که زود منتشر شوند هم داشته‌ایم. تا آنجا که من می‌دانم بهترین رکورد ما شش ماه بوده است، مثلاً کتابی ترجمه‌ای با تصاویر آماده و حرفه‌چینی کم به سرعت منتشر شده است. اما من نمی‌دانم کدام دسته از کارمندان کانون توانسته‌اند چاپ کتابشان را تسریع کنند. خیلی دلم می‌خواهد که به من هم یاد می‌دادند! چرا که مثلاً مجموعه 'روزهای خدا' نوشته من دو سال و نیم است که در انتظار چاپ است و بعید می‌دانم تا یکسال دیگر هم چاپ شود. علت آن این بوده که باید برایش عکسهای تهیه شود که پیدا کردن آن مشکل است. کسی پیدا نشد که پیگیری آن را کند و کسی هم که قبول کرده بود انجام نداد. من که اینجا مسئولیت دارم نتوانسته‌ام کارم را تسریع کنم، چطور دیگران توانسته‌اند چنین کاری کنند؟ چند کتاب دیگر هم دارم که وضعیت مشابهی دارند.

● اگر که چاپ کتاب با تأخیر بهتر از چاپ نشدن آن باشد، این موضوع به مطبوعات قابل تسری نیست. با این همه مطبوعات کانون همان روند چاپ کتاب را طی می‌کنند. آیا فکر نمی‌کنید بخش مستقلی برای کار مطبوعات مورد نیاز است تا پویش و گلبانگ و یا نشریات تعطیل شده مثل آیش، رویش، کوشش و حاشیه بتوانند به شکلی مناسب منتشر شوند؟

○ این فرمایش شما را باید بپذیرم. خود من هم بارها به مسئولان گفته‌ام که چرخه تولید کانون برای انتشار نشریات مناسب نیست، چرا که برای انتشار کتاب طراحی شده است. این موجب می‌شود که نشریات کانون به موقع چاپ نشوند و پس از چاپ هم به موقع توزیع نشوند و حتی بین انتشار نشریه و رسیدن به مخاطب چند ماه فاصله باشد. البته اقداماتی در دست انجام است و قرار است توزیع نشریات کانون در چرخه توزیع نشریات کشور قرار بگیرد و همچنین سرعت تهیه نشریات افزایش یابد، اما همچنان همان تصویرگری که کار کتاب را انجام می‌دهد کار نشریه را هم می‌کند. البته اگر گرافیک امروز گلبانگ را با دو سال پیش مقایسه کنیم، متوجه بهبود نسبی آن خواهیم شد. من در بخش نشریات کاملاً معتقد به وجود کاستیهای هستم که متأسفانه امکان حضور موفق کانون در عرصه مطبوعات را سلب کرده است.

● علاوه بر دفاتر ادبیات مذهبی و ادبیات انقلاب چه کارهای عمده و مجموعه‌ای دیگری در انتشارات در دست است؟

○ قطعاً تشکیل دفاتر دیگر و متعدد مقدور و منطقی نیست، اما برنامه‌های خاصی که در حال حاضر

در حال انجام است یکی فرهنگنامه کودکان و نوجوانان است که جلد اول آن آماده چاپ است که مربوط به مشاهیر است و جلدهای بعدی با موضوعات دیگر عرضه خواهد شد که مسئولیت آن با آقای سیروس طاهباز است. دو جلد فرهنگ لغات آسان هم به همت آقای رحماندوست تهیه شده که حرفه‌چینی آن تمام شده است. طرح دایرةالمعارف دینی نوجوانان هم در حال برنامه‌ریزی است.

● به عنوان آخرین سوال، اگر موافق باشید از ماجرای آب گرفتگی تصاویر صحبت کنیم. اصل ماجرا چه بود و آیا به بخشی انتشارات کانون مربوط می‌شود؟

○ نه، به واحد گرافیک مربوط می‌شود. به دور از هر نوع شباهت باید عرض کنم چون من روز واقعه نبودم از کم و کیف ماجرا بی‌اطلاعم. ظاهراً در محلی که این نقاشی‌ها نگهداری می‌شده است لوله آبی رد می‌شده که ترکیده و چون روز تعطیل هم بوده، نشت آب به بعضی از آثار لطمه رسانده است. از حجم آثار لطمه دیده من اطلاعی ندارم، اما طبق پرس و جوی من خوشبختانه آثار زیادی آسیب ندیده است. ما قبل از این واقعه برنامه داشتیم که در کنار جشنواره کتاب نمایشگاهی از ۳۰ سال تصویرگری در کانون برپا کنیم. پس از این واقعه شک داشتیم که امکان برگزاری آن باشد اما مسئولان بخش گرافیک گفتند که آثار لطمه چندانی ندیده و می‌شود نمایشگاه را بر پا کرد. لذا چنین نمایشگاهی خواهیم داشت. آن دسته از آثار هم که لطمه دیده در حال بازسازی و ترمیم است.

● آیا قرار نیست در نحوه نگهداری تصاویر تجدیدنظر شود؟

○ صد در صد. ما در کانون آرشیوهای متعدد داریم که در هر کدام آثاری با ارزش نگهداری می‌شوند. البته مشکلاتی مثل کمبود جا و امکانات وجود دارد، اما قطعاً نمی‌شود از سهل‌انگاری‌هایی که شده یا اغماض گذشت. با کسی که مسئول این موضوع بوده باید برخورد شدید کرد و او باید توبیخ شود. باید دید بیشتر کمبود امکانات دخیل بوده یا کوتاهی مسئولان. هیچ کس از واقعه پیش آمده خرسند نیست. هیچ کس ادعا نمی‌کند آنچه که از بین رفته با ارزش نبوده. کسی معتقد نیست که نباید جلوی وقایع بعدی را گرفت. به هر حال اتفاقی بوده که افتاده اما باید زنگ خطری باشد و مسئولان حواس خود را جمع کنند. ما به نوبه خود به فکر آرشیو انتشارات افتادیم چرا که ما دست نوشته‌های ارزشمند و نسخ کمیابی داریم که به فکر امنیت آنها هستیم. فهمیده‌ایم که دستگاه‌هایی وجود دارد که آثار مکتوب را در قطع‌های مختلف برای چندین سال گندزدایی و محافظت می‌کند. مسئولان کانون هم در این قضیه همدلی خوبی نشان داده‌اند. به هر حال اتفاقی که افتاد هر هنرمند و هنردوستی را دلگیر و ناراحت می‌کند. یکی از بزرگان گفته است که تجربه، معلم بی‌رحمی است چرا که اول امتحان می‌گیرد بعد درس می‌دهد. □